

## تبیین کاربرد نور و رنگ در نگاره‌هایی از منظومه هفت قصر بهرام نظامی (مطالعه موردی نسخه موزه هنری متروپولیتن)

### چکیده

نور و رنگ از مباحث کلیدی در ادبیات عرفانی هستند. منظومه رمانتیک «هفت‌پیکر» یا «بهرام‌نامه» یا «هفت‌گنبد»، چهارمین اثر نظامی گنجوی و یکی از شاهکارهای وی محسوب می‌شود. تحقیق حاضر بر آنست که با روش توصیفی، تطبیقی و مطالعات اسنادی نگاره‌هایی از نسخه هفت‌پیکر نظامی (داستان افسانه‌ای هفت قصر بهرام) بررسی می‌شوند. در این رابطه، مفاهیم حکمی و عرفانی نور و رنگ از دیدگاه برخی عرفا و تعبیر نظامی از این موضوع و ارتباط آن با تصویر تبیین می‌گردد. از بررسی مفاهیم عرفانی رنگ‌های مختلف چنین برمی‌آید که در واقع رنگ‌ها همان اختلاف نورها هستند که از حقیقت وجود انسان و مراحل تکامل فردی او به سمت تعالی سخن می‌گویند. نور و رنگ در هفت‌پیکر با تفکر و رای آن ارتباط دارد، و به‌گونه‌ای تمثیلی و نمادین بیان شده است. به نوعی حاکی از ادراک نظامی از معانی نمادین نور و رنگ از دیدگاه عرفانی در نسخه «هفت‌پیکر» است که هنرمند نگارگر به مفاهیم عرفانی متن ادبی وابسته بوده و از این مقوله نهایت استفاده را برده و به آثار خود از دید عرفانی جلوه خاصی بخشیده است.

### اهداف پژوهش:

۱. شناسایی مفاهیم عرفانی نور و رنگ در متن ادبی منظومه هفت‌پیکر.
۲. شناسایی مفاهیم عرفانی نور و رنگ در نگاره‌های داستان بهرام گور از نسخه خمسه نظامی موزه هنری متروپولیتن.

### سؤالات پژوهش:

۱. وجوه تصویری و زیبایی‌شناسی عرفانی رنگ و نور در شعر نظامی بر چه اساسی شکل گرفته‌اند؟
۲. وجوه تصویری و زیبایی‌شناسی عرفانی رنگ و نور در نگاره‌های داستان بهرام گور از نسخه خمسه نظامی موزه هنری متروپولیتن بر چه اساسی شکل گرفته‌اند؟

**کلیدواژه‌ها:** هفت‌پیکر نظامی، نگارگری، هفت قصر بهرام، نور، رنگ.

## مقدمه

اندیشه‌های نظامی و استفاده از مفاهیم معنوی نور و به‌دنبال آن رنگ در آثارش، ریشه در اندیشه‌پردازی ایرانی-اسلامی قرن ششم (ه.ق) دارد؛ که به‌مثابه یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ اندیشه شناخته می‌شود؛ بنابراین سابقه تمامی معانی حکمی و معرفتی سروده‌هایش را با وجوه تصویری و زیباشناسی درآمیخته است و شاید بتوان گفت که «هفت‌پیکر»، شاهکار نظامی، همچون منشور زیبایی حقیقت نورانی ادراک شاعر را به‌صورت هفت رنگ نمادین و معنوی منکسر ساخته است. با این تفاسیر بررسی موردی نسخه هفت‌گنبد و ماهیت نور و رنگ در نگاره‌های آن می‌تواند وجوهی از این تجلی عرفانی را مشخص سازد. مسئله این پژوهش واکاوی وجوه عرفانی نور و رنگ و زیبایی‌شناسی در نسخه مصور هفت‌گنبد در موزه هنر متروپولین است.

در پژوهش حاضر ضمن تعریف نور و رنگ از دیدگاه عرفانی نظامی، به بررسی تأثیر این دیدگاه بر هفت‌پیکر و بازتاب آن بر نگاره‌های هفت‌گنبد بهرام پرداخته شده و در جهت پاسخ به اینکه «معنا و مفهوم نور و رنگ از دیدگاه عرفانی نظامی چیست؟ و چگونه وجوه تصویری و زیبایی‌شناسی نور و رنگ در اشعار نظامی و نقاشی‌های مرتبط به ظهور می‌رسند؟، انجام یافته است. اطلاعات لازم در این تحقیق با روش اسنادی جمع‌آوری شده‌اند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت: در مورد رنگ در «هفت‌پیکر» نظامی مقالات متعددی ثبت شده است: قاضی‌زاده و خزائی (۱۳۸۴) در مقاله «مقامات رنگ در هفت‌پیکر نظامی و تجلی آن در نمونه‌ای از آثار نگارگری» به بررسی رنگ‌شناسی اسلامی در هفت‌گنبد نظامی پرداخته‌اند. در این مقاله جای خالی عرفان از دیدگاه عرفا به وضوح مشخص است. ترکاشوند (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ‌ها در ایران با علم روانشناسی رنگ مطالعه موردی منظومه هفت‌پیکر»، این داستان را بر مبنای روانشناسی بررسی نموده است. گفتنی است نمادشناسی رنگ‌ها در این مقاله بر مبنای عرفان و اصول نظامی پیش نرفته است. محمدی (۱۳۸۹)، در مقاله «نگاهی به عناصر داستانی در هفت‌پیکر»، به بررسی و تحلیل عناصر داستانی هریک از قصه‌های «هفت‌پیکر» پرداخته است. جای خالی عنصر تصویری در این مقاله هویدا است. نظری و نوروزی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی داستان گنبد سرخ در هفت‌پیکر نظامی»، گنبد سرخ را از منظرها و دیدگاه‌های گوناگونی چون شخصیت‌ها و عناصر داستانی تحلیل کرده‌اند، تفاوت این اثر با مقاله حاضر نگاه عارفانه به عنصر نور و رنگ در متن و نگاره مرتبط است. عباسی (۱۳۸۹)، در مقاله «نقد و بررسی قصه گنبد سفید (براساس قصه هفتم هفت‌پیکر نظامی)» به ریشه‌شناسی قصه و عناصر و سازه‌های اسطوره‌ای پرداخته؛ نمادهای عرفانی و اشاره به منظومه نظامی و دیدگاه عرفا در این نوشته خالی است.

بهنام‌فر و نظری (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل تطبیقی دژ هوش‌ربا با گنبد سرخ در هفت‌پیکر نظامی» به این مهم رسیده است که مولانا در سرودن دژ هوش‌ربا تحت‌تأثیر گنبد سرخ نظامی بوده و مانند دیگر داستان‌های مثنوی آن را در جهت اهداف و مقاصد خود به‌کار گرفته است و یا اینکه هر دو از منبع مشترک دیگری استفاده کرده‌اند. رضانژاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ی کاربرد رنگ در ابیات و عناصر بصری نگارگری در دو اثر منظوم «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون»» به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه معناداری میان میزان استفاده از رنگ‌ها و محتوای هریک از این دو مجموعه وجود دارد؛ عناصر امید، شادی و آرامش در «خسرو و شیرین» نسبت به «لیلی و مجنون» بیشتر و عناصر هیجان، معنویت و اندوه در «لیلی و مجنون» افزون بر «خسرو و شیرین» است و بر این باورند

که نظامی ضمن داشتن یک نگاه کلی به درون‌مایه داستان‌های خود، در استفاده از جزئیات نیز نهایت دقت را به خرج داده و از تمامی این جزئیات در زمینه یک ساختار کلی بهره جسته است.

### نتیجه‌گیری

نور از دیدگاه نظامی نیز نور لایزالی ذات پروردگار بوده که بر جان و عقل و دل آدمی تجلی یافته است؛ یعنی انسان می‌تواند با زدودن آلودگی‌ها و پیش‌ساخته‌های ذهنی از طریق نور عقل هدایت گردد، از طریق نور جان به شناخت خود برسد و با نور دل عروج کند. رنگ نیز تجلی نور است و در اصل رنگ‌ها اختلاف انوار هستند و از دیدگاه عارفان جلوه‌هایی از تجلی نور حقیقت‌اند که در مراحل تکامل روحانی رهرو راه حق نمایان می‌شوند. «هفت‌گنبد» نمادی از ارتباط میان زمین و آسمان هستند زیرا از زمین سر برمی‌کشند و برای صعود انسانی بنا می‌شوند، که می‌خواهد از خاک به افلاک سیر کند. گنبدهای رنگین محل آگاهی‌اند و بهرام‌گور که نماد انسان رهرو است از هر گنبد و هر رنگ معرفتی کسب می‌کند. هفت زن از هفت اقلیم که هر یک با یکی از روزهای هفته و یکی از رب‌های آسمانی و عناصر متناظر زمینی آن‌ها مانند فلزات و رنگ‌ها پیوند دارند، حاملان حقیقت و به زبان روح هستی مجهزند و رموز را در قالب داستان برای بهرام بازگو می‌کنند او را با آسمان و گستره هستی پیوند می‌دهند. رنگ‌ها از سیاه که ظلمت وجود آدمی است آغاز می‌شوند و با سپید که نور و روشنایی است و بهرام را به مبدأ وجود خود باز می‌گردانند، پایان می‌یابند. بهرام با بهره‌گیری از انعکاس معانی حقیقت که بازبان نمادین هفت رنگ بیان شده‌اند پس از طی طریق از هفت مرحله رنگین به انسان کامل تبدیل می‌شود. گفتنی است هرچند هنرمندان به مدد رنگ توانسته‌اند بر جذاب بودن اثر خود نزد مخاطب تأثیر بیشتری بگذارند اما، هر دو گروه (ادبا و هنرمند) هنوز بر یک نهج و روال هستند و اصولی را می‌توان دریافت که می‌توان از زاویه آن‌ها گفت: هنوز هم درب بر همان پاشنه می‌چرخد!

### فهرست منابع و مآخذ

#### قرآن کریم

- بری، مایکل. (۱۳۸۵). تفسیر مایکل بری بر هفت‌پیکر نظامی. ترجمه: جلال علوی‌نیا، تهران: نی.
- بهنام‌فر، محمد و نظری، اعظم. (۱۳۸۹). «تحلیل تطبیقی دژ همش‌ربا با گنبد سرخ در هفت‌پیکر نظامی». مجله مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، شماره ۱۳، ۳۱-۱۱.
- ترکاشوند، نازیانو. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ‌ها در ایران با علم روانشناسی رنگ». مطالعه موردی منظومه هفت‌پیکر». کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۴، ۴۱-۳۶.
- جعفری دهکردی و همکاران. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی متن و نگاره در شاهنامه صفوی W<sup>۶۰۲</sup> والترز (درآوردن رستم بیژن را از چاه)». مجله مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، شماره ۴۶، ۲۱۷-۱۹۵.
- رضانژاد، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۹). «مقایسه کاربرد رنگ در ابیات و عناصر بصری نگارگری در دو اثر منظوم «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون»». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۷، ۱۵۳-۱۲۹.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد. تهران: منوچهری.
- شبستری، محمود. (۱۳۸۶). گلشن راز. تهران: طهوری.

- کبری، نجم‌الدین. (۱۳۶۸). فوائح الجمال و فوائح الجلال. ترجمه: محمدباقر خراسانی، تهران: زوار.
- عباسی، سکینه. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی قصه گنبد سفید (براساس قصه هفتم هفت‌پیکر)». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۰، ۲۳۴-۲۲۳.
- قاضی‌زاده، خشایار و خزائی، محمد. (۱۳۸۴). «مقامات رنگ در هفت‌پیکر و تجلی آن در آثار نگارگری». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳، ۲۴-۷.
- لاهیجی گیلانی، محمد. (۱۳۸۱). شرح گلشن راز مفاتیح الاعجاز شیخ محمود شبستری. تهران: علم.
- محمدی، محمدحسین. (۱۳۸۹). «نگاهی به عناصر داستانی در هفت‌پیکر». تحقیقات و تمثیل در زبان و ادب فارسی، شماره ۶، ۱۸۷-۱۷۱.
- نظری، اعظم و نوروزی، زینب. (۱۳۸۹). «بررسی داستان گنبد سرخ در هفت‌پیکر نظامی». زبان و ادب فارسی، شماره ۴، ۱۶۹-۱۹۲.
- نظامی، الیاس‌بن‌یوسف. (۱۳۸۰). شرفنامه نظامی گنجوی. تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس‌بن‌یوسف. (۱۳۷۸). احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی. تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس‌بن‌یوسف. (۱۳۶۹). لیلی و مجنون نظامی گنجوی. تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۷). هفت‌پیکر حکیم نظامی گنجوی. تهران: قطره.
- یاوری، حورا. (۱۳۷۴). روانکاوی و ادبیات، دو متن، دو انسان، دو جهان: از بهرام‌گور تا راوی بوف‌کور. تهران: تاریخ ایران.
- Brend, B. (۲۰۰۳). "Illustrations to Amir Khusrau's Khamsa." In Perspectives on Persian Painting. New York: Routledge Curzon.
- URL : <https://www.metmuseum.org>. ۱۴۰۱/۷/۲۰